

تاریخ: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲

📌 پروژه شهید مطهری در مواجهه با انسان مدرنی بود که در تاریخ بشر سابقه نداشت!

کیست این انسان مدرن؟

مطهری اندیشمندی بود که دغدغه «خود انضمامی انسان مسلمان» را داشت و سعی می‌کرد آنرا در نسبت با انسان جدید دوران مدرن (سوژه مدرن) بازسازی کند و این پروژه را از طریق «احیاء اندیشه اجتماعی اسلام» دنبال می‌کرد.

شیخ طوسی در مقدمه کتاب المبسوط گفته است من در واکنش به اهل سنت که ما را متهم به ضعف در فقه تفریعی کرده‌اند این اثر را می‌نویسم. شهید مطهری در مقاله «الهامی از شیخ الطائفه» این قدم شیخ طوسی را یک نقطه عطف تاریخی در «تکامل شیعه» میدانند و کار خودش را نیز در همین تراز تعریف می‌کند.

اما آنچه دوران شهید مطهری را از سایر بزرگان اندیشه شیعه متمایز کرده، تولد یک انسان جدید در دوران مدرن است که هیچگاه در تاریخ بشر سابقه نداشته است. این انسان جدید، تحولات نویی را در عرصه الهیات و فلسفه، طبیعت و جهان، فهم متن و بحران‌های سیاسی تجربه کرد تا رخ دهد آنچه در ادامه خواهد آمد.

• با حضور کپلر، گالیله و خصوصا نیوتن، ایده کلیسا درباره طبیعت به چالش کشیده شد و جهان برای توضیح خودش خودبسنده گشت و رفت که آرام آرام «علم و دانشگاه» به جای «دین و کلیسا» بنشینند.

• با تلاش‌های مارتین لوتر برای مشروعیت زدایی از انحصار تفسیر متن مقدس توسط کلیسا، راه برای «مشروعیت تفاسیر شخصی از متن مقدس» باز شد.

• با ظهور دکارت و در نتیجه تأسیس نظام فلسفی جدید، خدا تبدیل به ابزاری برای «انطباق معرفت شناختی» میشود. بنابراین «فردیت انسان»، مستقل از امر مقدس، تبدیل به ملاک اعتباربخشی هستی شناختی و اخلاقی در عالم میشود که در این موقعیت، نیازی به الهام و پیام الهی ندارد. از اینجاست که «سوژه مدرن» پدید می‌آید.

بنابراین شهید مطهری در دورانی قرار دارد که مرکزیت حقیقت و مشروعیت معرفت، از امر مقدس به «درون انسان» تغییر موقعیت داده است. فلذا معنای زندگی برای چنین انسانی، لزوماً از آسمان نخواهد آمد و او هست که متکفل ساخت معنای زندگی‌اش خواهد بود، البته در این مسیر تنها نبوده و مجهز به علوم تجربی، تکنولوژی‌ها و انواع ابزارهای معرفتی و غیرمعرفتی است.